

معرفی خطاط

محمد رضا قنبری خوشنویس جوان

باثلت و نسخ بر بال کتابت قرآن کریم و کتیبه‌ها

* «فصلنامه هنر» در پی معرفی خطاطان

هنرمندی که سالیان دیرپا، تجربه اندوز ظرایف و نازک اندیشی‌ها و باریک بینی‌های حوزه و حیطة خوشنویسی بوده‌اند، این بار نه با خطاطی مجرب و محیط که تیره و تیار و سلاله‌اش به قدمت نسل و نثر و خط معاصر فارسی برسد، که با جوانی جستجوگر و نوپا و عده موعود و معهود دارد. خطاطی که به رغم جوانی و نوجویی، سنت دیرینان و مبدعان را پاس می‌دارد. همو که از زرفنای فرهنگ موسع و سرشار اسلام، چه جرعه‌ها که ننوشیده و سیراب نگشته است.

ثلت و نسخ، این خطوط اصیل اسلامی، مقلّم و منشا و مایه و پایه اصلی هنر «قنبری» است. افلامی که با همه جلوه و جمال و جلای خاصشان، چندانکه باید، از اقبال و روی آوری برخوردار نیستند. حال آنکه بسیاری از کتیبه‌ها و سنگ نبشته‌های بازمانده از صدر اسلام تا کنون، مزین و متبرک به این خطوط است.

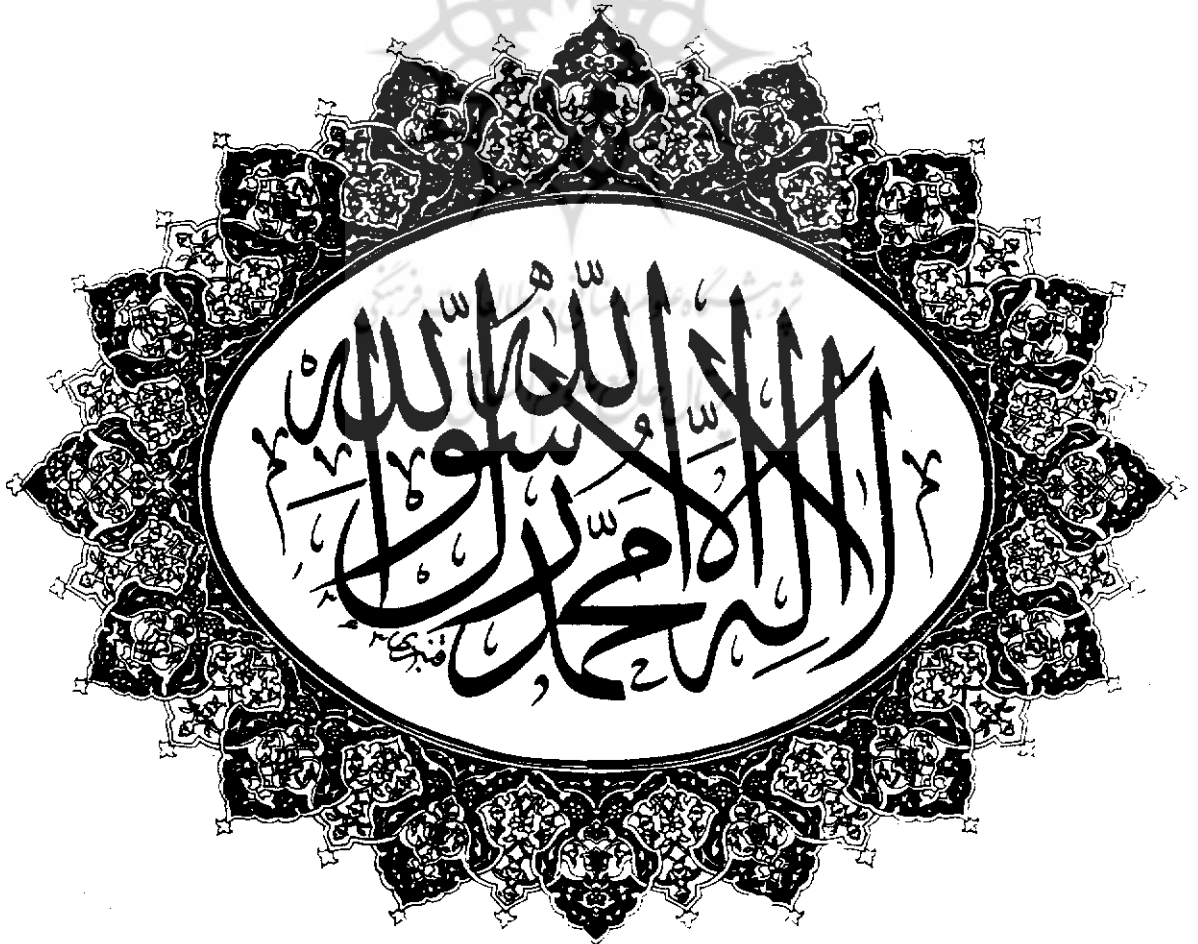
* قنبری ۲۴ سال دارد و در شهر قزوین پا به عرصه حیات گذارده است. در میزان علاقه او به هنر خوشنویسی همین بس که به قول خود «همواره در دل شبهای دیچور سلوکی عاشقانه و عارفانه با خط داشته است». وی موفق شده است که مراتب و مراحل انجمن خوشنویسان ایران را تا اخذ درجه ممتاز در رشته‌های ثلت و نسخ طی کند و حالیا به جز این خطوط، خط نستعلیق را هم در انجمن به هنرجویان می‌آموزد. قنبری در باره تاریخچه این خطوط بر این باور است که: «خط در ایران ریشه اسلامی دارد و تاریخ تحول خط فارسی همانا تاریخ تحول خط عربی است». وی ثلت و نسخ را خطوط جهانی اسلام می‌پندارد: «نستعلیق هم مایه گرفته از منشا و



خوشنویسان تاکید بر آموزش خط «ثلث» است که به «ام الخطوط» شهرت دارد. فراگیری نسخ اما ساده‌تر است: «خط ثلث در کتیبه‌نگاری به کار می‌رود و جنبه تزئینی دارد و اساساً خط مقدسی است. به همین دلیل من گهگاه کتیبه هم می‌نگارم. از لحاظ هستی‌شناسی لغوی، کتیبه یعنی سپاه و لشکر. آدمی وقتی به کتیبه‌ها می‌نگرد خطوط ثلث را همچون انبوه سوارانی می‌بیند که با نیزه‌ها و ارابه‌ها در حرکتند».

از لحاظ تاریخچه، قدمت ثلث و نسخ به سه برابر نستعلیق می‌رسد و اکثر گلاسته‌ها و گنبد‌های مساجد و حسینیه‌ها با این خطوط نگاشته شده‌اند. زمانی بهترین اساتید ثلث و نسخ در ترکیه بودند، اما از زمانی که آتاتورک نفیر

مقلم همین خطوط است و از ترکیب نسخ و تعلیق پدید آمده». وی ثلث و نسخ را هم خطوط فارسی می‌انگارد و می‌گوید: «چون اینها با جملات عربی درآمخته‌اند آنها را خط عربی می‌نامند». قنبری در مورد ریشه و خاستگاه و جایگاه این دو خط، می‌گوید: «ثلث از ریشه ثالث یعنی $\frac{1}{3}$ (سطح و $\frac{2}{3}$ دور) مشتق شده و نسخ هم از اسم فاعل ناسخ به معنای باطل کننده است و برای کتابت قرآن کریم به کار می‌رود. نسخ در ۲ شیوه است: نسخ نیریزی و نسخ عثمانی یا یاقوتی. قنبری به هنرآموزانش نسخ عثمانی می‌آموزد. تفاوت عمده میان این دو شیوه در آن است که نسخ عثمانی از خط ثلث و نسخ نیریزی از نستعلیق مایه گرفته است. در انجمن



ونفحه تجدد طلبی و ترقی خواهی در انداخت و خط لاتین را جایگزین خط ملی - اسلامی ترکیه کرد، این دیاریکسره خاموش شد و دیگر هرگز آوازی از آنجا برنخاست».

قنبری بر پیشینه و صبغه و سابقه خطوط ثلث و نسخ در فرهنگ اسلامی تاکید فراوان دارد. او خود عربی را به نکوئی آموخته و آیات و روایات و احادیثی را که در باب فضیلت و منزلت خط، شأن نزول یافته اند به خوبی دریافته است: از حضرت علی (ع) حدیث شریف داریم که می گوید: «الخط مخفی فی التعلیم استاذ و قوامه علی کثرة المشق والدوامه علی دین الاسلام». خط در اسلام پنهان است. او از همین حدیث به این استنتاج می رسد که خط هنری ملی نیست، بلکه اسلامی است: «خداوند تبارک و تعالی، تعلیم خط و نگارش و نویسندگی را به خود نسبت می دهد: اقرار بک الاکرم والذی العلم بالقلم ویا «ن و القلم و مایسطرون» که در اینجا خداوند به قلم قسم می خورد. یا یکی از بزرگان اسلام می گوید: «الخط الحسن للفقیر مال والغنی جمال و الحکیم کمال» یعنی خط برای فقیر مال، برای غنی جمال و برای حکیم کمال محسوب می گردد. فرهنگ ما فرهنگ قرآن است و به همین دلیل اگر یک جمله فارسی را به عربی بنویسیم مردم می گویند وضوبگیرید، بعد آنرا بخوانید. خط و زبان عربی در نزد ما ایرانیان همواره از قداست و الوهیت برخوردار بوده اند. شاهد مثال و گواه این سخن، آیه ۲ از سوره مبارکه «یوسف» در قرآن کریم است: «انا انزلنا قراناً عربیاً لعلکم تعقلون» ما قرآن را به زبان

عربی نازل کردیم تا شما بهتر بیاندیشید.

«من خط ثلث را هم خط خدا می انگارم، چون تنها خطی که کاملاً با عربی به عنوان کاملترین و فصیح ترین زبانها در آمیخته خط ثلث است.» قنبری در مورد خط - نقاشی یا به قولی «خطآشی» معتقد است: از قدیم در قالب تمثیل و تشبیه و تشبیه گفته اند که هر چیزی اصلش خوب است و لا غیر. خط ثلث باید به قاعده، موزون و در عین زیبایی و نفاست باشد.

قنبری درباره کم و کیف فعالیت های انجمن می گوید: «انجمن خوشنویسان تا پیش از این، خطوط ثلث و نسخ را به عنوان خط دوم شناخته بود و این سد سدیددی در راه اشاعه آن به شمار می رفت. اما به همت معاونت هنری وزارت ارشاد اسلامی، از هم اینک کلیه علاقمندان به ثلث و نسخ می توانند از همان آغاز و اوآن، به فراگیری این خطوط پردازند.» قنبری از انجمن خوشنویسان، گلایه هایی ناقدانه نیز دارد:

«انجمن خوشنویسان ایران، خط ثلث را خطی بیگانه می داند. ۴۰ سال است که این انجمن پا گرفته، در طی این مدت، این خیل وسیل «شکسته» نویسان چه کرده اند؟ اکثر کتیبه هایی که بر سر در مساجد نوشته شده غیر از عدم رعایت اصول خط، از نظر دستور زبان عربی هم اغلاط فاحش دارند. من مسئول این سهل انگاریها و تسامح ها را انجمن خوشنویسان یا به بیانی رساتر «انجمن نستعلیق نویسان» می دانم و بس».

با امید آنکه قنبری همواره و همیشه در غرصات قدم و قلم موفق باشد.

This image displays a highly stylized and intricate piece of Arabic calligraphy, likely a religious or poetic text. The script is dense and features complex, overlapping characters with decorative elements such as dots and lines. The text is arranged in a vertical column, reading from right to left. The calligraphy is characterized by bold, black strokes and a high level of detail, with many small annotations and markings throughout.

The text is written in a style that is highly decorative and difficult to read without specialized knowledge. The characters are large and bold, with many small dots and lines scattered throughout, possibly indicating specific phonetic or grammatical features. The overall appearance is that of a highly skilled and artistic calligraphic work.

In the bottom right corner, there is a signature and date: **مفتي محمد صالح المنجد** ١٩٨٥.

لهو السروف

اللهم لا تأخذنا
بالهوان ولا
الضعف ولا
الفاقة

لأأخذ سنة ولا نوم



قال النبي عليه السلام لا خير الا في العلم

اما بعد فكل من اخطا

بما هم منه وور

ذرية عيسى وبنو امير المؤمنين